


نام و نام خانوادگی: مقطع و رشته: دهم ریاضی و تجربی شماره داوطلب: تعداد صفحه سؤال: ۳ صفحه	جمهوری اسلامی ایران اداره ی کل آموزش و پرورش شهر تهران اداره ی آموزش و پرورش شهر تهران منطقه ۶ تهران دبیرستان غیردولتی دخترانه 	نام درس: فارسی نام دبیر: فاطمه محمدی تاریخ امتحان: ۱۳۹۶/۱۰/۱۸ ساعت امتحان: ۸ صبح / عصر مدت امتحان: ۸۰ دقیقه
---	--	---

ردیف	سؤالات	نمره
۱.۵	قلمرو زبانی واژگان مشخص شده را معنا کنید. فروغ رویت اندازی سوی خاک عجایب نقشها سازی سوی خاک (.....) راست به مانند یکی زلزله داده تنش بر تن ساحل یله (.....) مخدول و نالان استرحام می کرد. (.....) معلم که از مخمصه رسته بود. (.....) دست معلم از وقب حیوان روان شد. (.....) زیرا در میان دوزد جمع بود : هم فرقت بود ، هم وصلت (.....)	الف
۰.۲۵ ۰.۲۵ ۰.۲۵ ۰.۷۵	واژگان نادرستی های املایی زیر را مشخص کرده و درست آن را بنویسید. - در مقابله لعیمی ، کریمی کرد - وین بوم مهنت از پی آن تا کند خراب بر دولت آشیان شما نیز بگذرد - و از آن دهان که حرای شیر می خروشید کلمات کودکانه تراوید. - کرک سرقلم را وغار و طمعیننه تمام پاک کرد و بر خلاف عادت معلوف ، یک کیف حلبی به مدرسه آورد	ب
۱	درستی یا نادرستی جمله زیر را تعیین کنید . هم خانواده واژه " مشوش " ، تشویش است. درست نادرست مترادف واژه " کید " ، دشمنی است . درست نادرست متضاد واژه " نهایت " واژه بدایت است . درست نادرست جمع واژه . هرم ، " احرام " است. درست نادرست	پ
۱	واژگان مشخص شده زیر را از نظر ساختمانی بررسی کنید . هیچ فرمانروا را ندیده بودم ، که پای افزاری وصله دار به پا کند گفتم ز مهرورزان رسم وفا بیاموز گفتا ز خوبرویان این کار کمتر آید بار اول که پیر مرد را دیدم در کنگره نویسندگانی بود که خانه فرهنگ شوروی در تهران علم کرده بود(.....) مارا به رونگاری آن وا می داشت . (.....)	د

<p>۰,۷۵</p> <p>۰,۷۵</p> <p>۰,۵</p>	<p>ج</p> <p>نقش واژگان مشخص شده زیر را بنویسید . - <u>مرا حدیثی</u> از <u>اسب پرداز</u> <u>معلم</u> در یاد است . (.....) ، (.....) ، (.....)</p> <p>- نوع "که" در عبارت (از تو در شگفت هم نمی توانم بود <u>که</u> دیدن بزرگی ات را ، چشم کوچک من ، بسنده نیست) چیست؟ <u>توضیح دهید</u> .</p> <p>- نوع "را" در عبارت زیر چیست ؟ و بر مبنای نوع "را" نقش واژه مشخص شده را تعیین کنید . <u>"معلم را عادت بود که نقشه نیم کاری را با خود به کلاس آورد."</u></p>
<p>۳</p>	<p>ی</p> <p>قلمرو ادبی</p> <p>با توجه به واژگان مشخص شده آرایه شاخص را بنویسید . <u>تا عالمیان بدانند که هرگز کید کایدان با خواسته خداوند غیب دان برابر نیاید</u> <u>گفتم غم تو دارم گفتا غمت سر آید</u> <u>گفتم که ماه من شو گفتا اگر بر آید</u> چگونه می توان به شمشیری <u>دریایی</u> را شکافت ؟ در احد که <u>گل بوسه زخم</u> ها تنت را دشت شقایق کرده بود.</p>
	<p>ن</p> <p>با توجه به بیت ها و جمله های زیر به موارد خواسته شده پاسخ دهید. <u>جمله اول : قصه حال یوسف را نیکونه از حسن صورت اوگفت، بلکه از حسن سیرت او گفت</u> <u>بیت دوم : مگراز کدام باده مهر مست بودی / که با تازیانه هشتاد زخم بر خود حد زدی؟</u></p> <p>بیت سوم : آب اجل که هست گلوگیر خاص و عام بیت چهارم : بر تیر جور تان ز تحمل سپر کنیم بیت پنجم : بادی که در زمانه بسی شمع ها بکشت بیت ششم : ولیک چنان خیره و خاموش ماند</p> <p>بر حلق و بر دهان شما نیز بگذرد تا سختی کمان شما نیز بگذرد هم بر چراغدان شما نیز بگذرد کز همه شیرین سخنی گوش ماند</p> <p>- در جمله اول یک نوع سجع بیابید و نوع آن را تعیین کنید. - در بیت دوم ، مراعات النظیر در بین کدام واژه ها دیده می شود؟ - در بیت سوم ، یک نوع تشبیه بیابید . - در بیت چهارم ، یک نوع کنایه بیابید. - در بیت پنجم ، دو نوع استعاره بیابید. - در بیت ششم ، یک نوع حس آمیزی بیابید.</p>

۲	<p style="text-align: right;">م حفظ شعر</p> <p>قسمتهای خالی را پر کنید.</p> <p>الف) گه نعره زدی بلبل گه جامه دریدی گل با یاد تو افتادم از یاد برفت آنها</p> <p>ب).....</p>
۱ ۱ ۱ ۱	<p style="text-align: right;">ک قلمرو فکری</p> <p>بیت ها و جمله های داده شده را به نثر روان امروزی تبدیل کنید.</p> <p>گل از شوق تو خندان در بهار است از آتش خنده های بی شمار است</p> <p>از روی نیکوش حبس و چاه آمد و از خوی نیکوش ، تخت و گاه آمد</p> <p>بدان کوش تا به هر محالی از حال و نهاد خود بنگردی که بزرگان به هرحق و باطلی از جای نشوند</p> <p>گفتم که بر خیالت راه نظر ببندم گفتا که شبرو است او از راه دیگر آید</p>
۰.۷۵ ۰.۵ ۰.۵	<p style="text-align: right;">گ</p> <p>منظور از قسمتهای مشخص شده را بنویسید.</p> <p>ای تو <u>رَمه</u> سپرده به <u>چوپان</u> گرگ طبع این <u>گرگی</u> شبان <u>شما</u> نیز بگذرد</p> <p>گفتم ز <u>مهرورزان</u> رسم وفا بیاموز گفتا ز <u>خوبرویان</u> این <u>کار</u> کمتر آید</p> <p>زلیخا از عشق و <u>درد</u> او بی قرار بود .</p>
۰.۵ ۰.۵ ۰.۵ ۰.۷۵	<p style="text-align: right;">ه</p> <p>مفهوم کنایی عبارتهای زیر را بنویسید.</p> <p>الف) تا مگر او را هلاک کنند تا <u>عالم</u> از <u>آثار</u> وجود او پاک کنند</p> <p>ب) <u>خواب</u> که از چشمم پرید و از گوشم.</p> <p>ج) ما را دمکی زیادت تر در گرمابه گذارد که <u>شوخ</u> از خود باز کنیم .</p> <p>در بیت زیر به کدام باور مردم در گذشته اشاره دارد ؟</p> <p>ای مفتخر به طالع مسعود خویشتن تاثیر اختران شما نیز بگذرد</p>

پاسخ نامه سوالات		جمهوری اسلامی ایران اداره ی کل آموزش و پرورش شهر تهران اداره ی آموزش و پرورش شهر تهران منطقه ۶ تهران دبیرستان غیردولتی دخترانه 	نام درس: فارسی نام دبیر: فاطمه محمدی تاریخ امتحان: ۱۳۹۶/۱۰/۱۸ ساعت امتحان: ۸ صبح / عصر مدت امتحان: ۸۰ دقیقه
ردیف	راهنمای تصحیح	ردیف	
۱،۵	مخذول: خوار، زبون گردیده فرق: دوری	الف	فروغ: نور، روشنایی مخمصه: گرفتاری پله: رها دست معلم از <u>وقب</u> : فرورفتگی دور چشم
۱،۵		ب	لثیمی، محنت، هرای، وقار طمانینه عادت مالوف
۱		پ	درست، نادرست، درست، جمع واژه، هرم "احرام" است. نادرست، چون با "ح" نوشته شده است و اهرام درست است.
۱		د	پای افزار: پای + افزار: مرکب، خوب + روی = مرکب، وندی (نویس + نده + ان)، رو + نگار + ی (وندی - مرکب)
۲		ج	نهاد / متمم / مضاف الیه بیان علت. چون معنای "زیرا" می دهد فک اضافه / مضاف الیه "معلم را عادت بود که نقشه نیم کاری را با خود به کلاس آورد."
۳		ی	مجاز از همه مردم ایهام: (۱) طلوع کند (۲) اگر بتوانم (بشود) استعاره از پیشانی حضرت علی (ع) گل بوسه زخم ها: اضافه تشبیهی
		ن	صورت، سیرت: سجع متوازی باده، مست، تازیانه، حد آب اجل ز تحمل سپر کردن: کنایه از مقاومت کردن / سختی کمان: کنایه از ستم بیش از حد مغولان (هر کدام را بنویسند صحیح است زیرا یک نمونه خواسته شده) شمع: استعاره از سلطنت پادشاهان عادل / چراغدان: استعاره از سلطنت حاکمان مغول شیرین سخنی
۲		م	ب تا عهد تو در بستم عهد همه بشکستم بعد از تو روا باشد نقض همه پیمانها
۴		ک	گل به اشتیاق وجود تو در بهار می شکفت و به همین دلیل (گلهای زیادی در بهار) شکوفا می شود به خاطر چهره زیبایش (در کودکی) در چاه زندانی شد. و به خاطر اخلاق خویش، به سلطنت رسید کوشش کن تا به هروسيله ناممکن و غیر طبیعی آشفته و عصبانی نشوی. چون بزرگان، به هر کار درست و نادرستی، آشفته نشود. به معشوق گفتم دیگر به تو فکر نمی کنم و فراموش می کنم. او گفت: فکر و خیال من مانند دزد به سراغت می آید
۱،۷۵		گ	مردم / پادشاهان ستمگر / ستمگری پادشاهان / وفاداری / فراق و دوری یوسف.
۲،۲۵		ه	از بین ببرند (قتل برسانند) کاملاً هوشیار شدم یعنی چرک را از خود بزدایم اشاره دارد به اعتقاد ایرانیانم قدیم به تاثیر اجرام آسمانی بر زندگی